

سخنی در باب اعتبار سندی زیارت عاشورا

[نکته‌های پژوهشی - ۱]

آیت الله سید موسی شیری زنجانی

مقدمه

محقّقان در فرآیند پژوهش، گاه به نکات یا موضوعات ارزشمندی دست می‌یابند که بر پایه مواد خام فراهم آمده است و می‌سزد که بر اساس آن، نوشتارها و گفتارهای پژوهشی تدوین شود. گاهی فرصت این مرحله را خود می‌یابند و مقالات خود را به اهل تحقیق عرضه می‌دارند؛ اما در موارد فراوان، فرصت این کار را نمی‌یابند و آن نکات و موضوعات ارزشمند در لابه لای کارهای دیگر، فراموش می‌شود؛ به ویژه زمانی که حال یا مجال ثبت آن به صورت مکتوب به دست نیاید؛ که قدمًا گفته‌اند: «کل علم لیس فی القرطاس ضاء».

بخشی از این نکات و موضوعات را که ما در این سلسله، «نکته‌های پژوهشی» می‌نامیم، قدمای ما در قالب کتابهایی تحت عنوان جُنگ، کشکول، بیاض، سفینه و مانند آن جای می‌دادند و بدین سان، نفایس علوم را به آیندگان می‌سپردند. ما نیز در راستای تلاشهای پیشینیان - وظیفه داریم که چنین نکته‌هایی را به معاصران و آیندگان بسپاریم تا راه تحقیق برای آنان هموارتر شود.

فصلنامه سفینه در جهت ادای این وظیفه علمی و دینی، در نظر دارد که صفحاتی از هر شماره را به درج این گونه نکته‌ها اختصاص دهد. بدین منظور، برای حُسن مطلع و تبَرَّک کلام، نخستین نکته پژوهشی را به بحثی کوتاه امّا مهم از حضرت آیت الله سید موسی شیری زنجانی -دام ظلّه العالی - در باب اعتبار سندي زیارت عاشورا اختصاص می‌دهیم.^۱ و پژوهشیان گرامی را برای تداوم این سلسله، به یاری می‌طلبیم.

یادآوری چند نکته در این مجال، ضروری می‌نماید:

۱. موضوع این نکته‌ها، الزاماً با موضوع ویژه هر شماره مطابق نیست. یعنی می‌تواند خارج از آن باشد؛ ولی ابتکار و نوآوری در آن، ضابطه اصلی است.
۲. موضوع این نکته‌ها، باید در چارچوب کلی سفینه (مطالعات قرآن و حدیث) باشد.

۳. معروفی نسخه‌های خطی چاپ نشده یا نقل برخی از مطالب آنها نیز موضوع‌های مناسب برای پژوهش‌های دانشگاهی و حوزوی، می‌تواند بخشی از این نکات پژوهشی را شکل دهد.

۴. بدیهی است که مطالبی که تحت این عنوان کلی می‌آید، هرگز به معنای آخرین سخن در باب خود تلقی نشده، بلکه به عنوان نقطه آغازین یا گامی در میانه راه به شمار می‌آید. بدین رو، از سویی خوف و واهمه نگارندگان دشوار طلب و از سوی دیگر، تیزبینی خوانندگانِ زرفنگر -با همه ضرورتی که در جای خود دارد- در اینجا مهار می‌شود تا به کمک ابزار اطلاع رسانی سریع‌تر، یابندگان موضوع برای پژوهش، به نکات مورد نظر خود دست یابند.

۵. بدیهی است در مقامی که تک تک خوانندگان، خود در جایگاه نگارنده قرار دارند، «عیب‌جویی رشت»، جای خود را به «انتقاد و اصلاح سازنده» می‌دهد و باب تعامل برکت خیز و مهرآمیز میان پژوهشیان، همچنان گشاده می‌ماند.

۱. این نکته پژوهشی را حجت الاسلام شیخ اسماعیل بحرانی، از طلاب فاضل و پژوهشگر حوزه علمیه قم در اختیار ما نهاد. از لطف ایشان سپاسگزاریم.

٦. فصلنامه سفینه، پیش از این، در بخش‌هایی تحت عنوان «بایسته‌های پژوهشی» و «گامی در آستان صحیفه سجادیه»، به شیوه موضوعی به این مهم پرداخته بود. به دلیل استقبال فراوان اهل تحقیق از این حرکت ثمربخش، اکنون با شکستن انحصار موضوعی، این رشتہ پر برگ و بار راگسترش می‌دهد، ضمن آنکه دو عنوان پیشین همچنان برقرار است.

٧. از آنجاکه این فصل پربرکت در نشریات علمی فارسی تاکنون کمتر مورد توجه بوده، پیشنهادها و دیدگاهها برای اصلاح و تکمیل این راه را به جان پذیرایم و تا حد امکان -با توجه به محدودیت صفحات نشریه- از درج آنها کوتاهی نداریم.

باسم‌هه تعالی

سماحة المرجع الديني الكبير آية الله العظمى السيد الشيرازي زنجانى دام ظله،
بعد السلام والتحيه، ما هو نظركم حول مدارك زيارة عاشوراء من جهة الصحة و
السقم وذلك لرفع الشبهة الحاصلة لبعض المؤمنين.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

داعيکم: رحیم غبرائی

من تبریز ۱۳۸۶-۱۰-۱۰ هش.

باسم‌هه تعالی

بعض النظر عن التأييدات الغيبة الواردة بطرق معتبرة حول زيارة عاشوراء والتي
برأسها دليل على اعتبار هذه الزيارة الشريفة، فإن السند المذكور في مصباح المتهدّج
في ذيل هذه الزيارة سند صحيح.

توضیح ذلك أنه ورد في مصباح المتهدّج، بعد نقل زيارة سید الشهداء علیه السلام عن
علقمة، ما نصّه:

”روى محمد بن خالد الطیالسيّ، عن سيف بن عميرة، قال: خرجت مع صفوان بن
مهران الجمال وجماعة من أصحابنا إلى الغري؛ فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان
وجهه إلى ناحية أبي عبد الله علیه السلام فقال لنا: تزورون (نзор) خ.ل) الحسين علیه السلام من هذا
المكان من عند رئيس أمير المؤمنين علیه السلام من هاهنا أو ما إلى أبي عبد الله علیه السلام وأنا معه قال:

فَدْعَا صَفْوَانَ بِالزِّيَارَةِ الَّتِي رَوَاهَا عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيَّ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ الْمَسْكَنُ فِي يَوْمٍ عَاشُورَاءَ ..."

وَظَاهِرٌ هَذِهِ الْعِبَارَةُ أَنَّ الْإِمَامَ أَبْوَعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمَسْكَنُ أَوْمًا إِلَى الْإِمَامِ سَيِّدِ الشَّهَادَةِ بِنَفْسِ الْزِّيَارَةِ الَّتِي رَوَاهَا عَلْقَمَةُ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ الْمَسْكَنُ وَزَارَهُ بِهَذِهِ الْزِّيَارَةِ.

وَفِي هَذَا الطَّرِيقَ لِاَكَلَامِ فِي وَثَاقَةِ سَيِّفِ بْنِ عَمِيرَةِ وَصَفْوَانِ بْنِ مَهْرَانَ. إِنَّمَا الْكَلَامُ فِي أَمْرَيْنِ أَحَدُهُمَا: فِي الطَّرِيقِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ. ثَانِيَهُمَا: فِي وَثَاقَةِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ نَفْسِهِ. أَمَّا الطَّرِيقُ إِلَى الطِّيَالِسِيِّ فَلِإِثْبَاتِ اعْتِبَارِهِ تَقْرِيبَانِ:

التَّقْرِيبُ الْأَوَّلُ: ظَاهِرٌ عِبَارَةً "رَوَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ" - دُونَ "رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ" - ثَبُوتٌ نَسْبَةِ الرِّوَايَةِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ. عِنْدَ الشِّيخِ الطُّوسِيِّ عَلَيْهِ اللَّهُ تَعَالَى وَهُدَى كافٍ فِي اعْتِبَارِ السَّنْدِ مِنْ هَذِهِ الْجَهَةِ.

التَّقْرِيبُ الثَّانِي: الظَّاهِرُ أَخَذَ الْحَدِيثَ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ وَقَدْ نَسَبَ الشِّيخُ إِلَيْهِ كِتَابًا فِي الْفَهْرَسِ وَرَوَاهُ عَنْ طَرِيقِ الْحَسِينِ بْنِ عَبِيدِ اللَّهِ [الْغَضَائِرِيِّ] عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَيِّ بْنِ مَحْبُوبِ عَنْهُ.

وَهُؤُلَاءِ كُلُّهُمْ مِنْ كُبارِ الْإِمَامِيَّةِ وَمُعْتَدِلِيهِمْ. وَأَمَّا أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ فَهُوَ مِنْ مُشَايخِ الْإِجازَةِ، وَمُشَايخِ الْإِجازَةِ فِي غَنِّيٍّ عَنِ التَّوْثِيقِ حَسْبَ التَّحْقِيقِ.

يَبْقَى الْكَلَامُ عَنْ وَثَاقَةِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ وَيَشَهَدُ لِذَلِكَ أَمْورُ:

الْأَوَّلُ: رِوَايَةُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ - وَهُوَ مِنْ أَعْيَانِ الطَّائِفَةِ - عِنْ الطِّيَالِسِيِّ كُتُبَهُ وَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى اعْتِمَادِهِ عَلَيْهِ.

الثَّانِي: وَقْوَعُ الطِّيَالِسِيِّ فِي طَرِيقِ أَجْلَاءِ الثَّقَاتِ إِلَى كِتَابِ جَمَاعَةِ:

مِنْهُمْ: سَيِّفُ بْنِ عَمِيرَةِ.

مِنْهُمْ: مُحَمَّدِ بْنِ مَعْرُوفِ.

وَقَدْ رَوَى كُتَابَهُمَا مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الرِّزَازَ وَهُوَ مِنْ أَجْلَاءِ مُشَايخِ الْإِمامِيَّةِ الثَّقَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ عَنْهُمَا وَهُوَ دَلِيلٌ عَلَى اعْتِمَادِ الرِّزَازِ عَلَى الطِّيَالِسِيِّ.

مِنْهُمْ: رَزِيقُ بْنُ الزَّبِيرِ.

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الطِّيَالِسِيِّ عَنْهُ.

وأيضاً: قد روى حميد بن زياد -الذى وثقه الشيخ و النجاشي مع كونه واقفياً -
أصولاً كثيرة عن محمد بن خالد الطيالسيّ.

الثالث: روایة جماعة من أجيال الثقات عنه، فقد روى عن الطيالسيّ - مضافاً إلى
من تقدم ذكره - سعد بن عبد الله و سلمة بن الخطاب - الذي هو ثقة على الأظهر - وابنه
عبد الله بن محمد بن خالد الطيالسيّ و عليّ بن إبراهيم و عليّ بن سليمان الزرارى و
محمد بن الحسن الصفار و محمد بن الحسين - المتتحد مع محمد بن الحسين بن
أبي الخطاب - و معاوية بن حكيم.

فهذه الأمور من أقوى الأمارات على وثاقة محمد بن خالد الطيالسيّ ولم يرد فيه
جرح حتى من ابن الغضائري الذي نقل عنه جرحه لكتير من الثقات خطأ؛ فلابنغي
التأمل في وثاقة محمد بن خالد الطيالسيّ.
فتحصل أن هذا الطريق لزيارة عاشوراء صحيح.

موسى الحسيني (الشبيري) الزنجاني

١٤٢٨/١ ج ٢٠

